



عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با نزاع و درگیری جوانان در سرپل ذهاب (با تأکید بر خانواده)

شهناز صداقت زادگان^۱، محمدجواد زاهدی^۲ و بهروز بهزادی فر^۳

۱. عضو هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور، نویسندهٔ مسئول: sedaghatzadegan@pnu.ac.ir

۲. عضو هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور، m_zahedi@pnu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد دانشگاه پیام نور، asra_4841@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: شهر سرپل ذهاب از شهرهای غربی کشور و محل تردد بین مرزی و قاچاق کالا و به خصوص اسلحه است. به سبب سهولت دسترسی به اسلحه، هزینه‌ها و خطرات نزاع و درگیری در این منطقه دوچندان است. هدف تحقیق حاضر، مطالعهٔ جامعه‌شناختی نزاع و درگیری در بین جوانان شهر سرپل ذهاب با بهره‌گیری از نظریهٔ استروس است. استروس خانواده را با توجه به اهمیت نقش الگویی و تربیتی و عاطفی والدین، مؤثرترین عامل نزاع و درگیری در بین جوانان می‌داند.

روش: تحقیق حاضر به روش پیمایشی، رابطهٔ نزاع و درگیری بین جوانان و نقش خانواده را مورد کنکاش قرار داده است. پرسشنامهٔ تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بر روی ۳۷۵ نفر از جوانان ۱۵ الی ۲۵ سال شهر سرپل ذهاب اجرا شده است. رابطهٔ متغیرها با آزمون‌های همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس بررسی شده است.

یافته‌ها: نتایج توصیفی تحقیق نشان داد که حدود ۲۰ درصد جوانان گفته‌اند در یک سال گذشته، بیش از پنج مورد نزاع و درگیری داشته‌اند. آزمون فرضیه‌های تحقیق، نقش سخت‌گیری والدین، بدرفتاری والدین با فرزندان، رفت‌وآمد با همسالان بزهکار، احساس آنومی اجتماعی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان را مؤثر نشان داده است. بین نظارت والدین بر رفتار فرزندان، نظارت اجتماعی غیررسمی، نظارت رسمی، تحصیلات و نزاع و درگیری جوانان رابطهٔ معکوس وجود داشته است. همچنین، میزان نزاع و درگیری افراد بیکار از افراد شاغل بیشتر بوده است.

نتیجه‌گیری: بدرفتاری والدین و نظارت والدین بر رفتار فرزندان بیشترین اثر مستقیم را بر نزاع و درگیری جوانان نشان می‌دهد. در مقایسه با بدرفتاری و نظارت والدین در خانواده، تنها دوستی با همسالان بزهکار بیش از خانواده مؤثر بوده است.

کلید واژه‌ها: نزاع و درگیری، نظارت خانواده، سخت‌گیری والدین، نظارت اجتماعی، نظارت رسمی و آنومی اجتماعی.

◀ **استناد (به شیوه APA ویرایش ۶):** صداقت‌زادگان، شهناز؛ زاهدی، محمدجواد؛ بهزادی‌فر، بهروز (بهار و تابستان ۱۳۹۶). عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با نزاع و درگیری جوانان در سرپل ذهاب (با تأکید بر خانواده). *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۵ (۱)، ۳۸-۲۰.



مقدمه

مرور منابع نشان می‌دهد از بین عوامل تعیین‌کننده، نقش تربیتی و نظارتی خانواده بیش از عوامل دیگر مورد تأکید قرار گرفته است. استروس معتقد است که به موضوع اولین تجربه‌های خشونت فرزندان زیر عنوان تربیت و انضباط در خانواده اهمیت لازم داده نمی‌شود. استروس^۱ به تحقیقی اشاره می‌کند که نشان می‌دهد ۹۰ درصد از آمریکایی‌ها به اسم تربیت در خانواده، پرخاشگری و خشونت را در دوران کودکی تجربه کرده‌اند (استروس، الف، ۲۰۰۸، صص ۱۳۱۸-۱۳۱۴ و استروس، ب، ۲۰۰۸، ص ۲۰۷).

معمولاً در جوامع مختلف به خصوص با ویژگی‌های فرهنگی سنتی از اقتدار بی‌حد و حصر پدر حمایت می‌شود. این امر از کنترل غیررسمی نزاع در جامعه نیز می‌کاهد (جایاتیلکه^۲، جایاتیلکه، جیمبا^۳ و یاسوکا^۴، ۲۰۱۴). اشتراوس به تحقیقی اشاره می‌کند که در دهه ۱۹۶۰ حدود ۹۴ درصد آمریکایی‌ها معتقد بودند تنبیه بدنی دوران کودکی لازم است. با اجرای برخی از برنامه‌های آموزشی و پیشگیری در سال ۲۰۱۰، این رقم به ۷۰ درصد رسید (استروس، داگلاس^۵ و مدیریوس^۶، ۲۰۱۴، ص ۲۶۵). تجربه تنبیه و خشونت در دوران کودکی و در خانواده، تأثیری درازمدت در زندگی بعدی آن‌ها بر جای خواهد داشت.

شهر سرپل ذهاب یکی از این مناطق مرزی چند قومیتی و محروم با ۱۷ کیلومتر مرز مشترک با کردستان عراق است. منطقه‌ای که با وجود بهره‌مندی از زمین کشاورزی، از اراضی کم باران استان کرمانشاه شناخته شده است (غلامی و علی بیگی، ۱۳۹۳، ص ۶۱۳). سرپل ذهاب از نظر برخی از آسیب‌های اجتماعی، آسیب‌پذیر (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۹۷) و از نظر برخی شاخص‌های ساختاری مانند بهداشت و درمان نسبت به بخش‌های دیگر استان، در پایین‌ترین سطح قرار دارد (موسوی، سیدین، آراین خصال، صادقی فر، صفری و جویانی، ۱۳۹۲، ص ۷). شهری که به لحاظ بافت مذهبی و قومی متنوع است و از نظر وضعیت جغرافیایی در شرایطی خاص قرار دارد. این شهر مرکز فعالیت و تردد عناصر گروهک‌های ضدانقلاب است. معابر کوچک و بزرگ متعددی از خاک عراق وارد این منطقه می‌شود، به گونه‌ای که آن را گذرگاه قاچاق کالا همچون اسلحه و مهمات و مشروبات الکلی و کالاهای مبتذل به داخل کشور کرده است (حیدری و رضایی، ۱۳۹۳، صص ۳۴ و ۳۶). وجود سلاح فی‌نفسه از عوامل شیوع نزاع و درگیری با خطرپذیری بسیار بالا است (استروس و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۷۵). بی‌جهت نیست که هر از گاهی اخبار شهر حاکی از نزاع و درگیری بر سر زمین کشاورزی یا نزاع‌های

1. Straus
2. Jayatilleke
3. Jimba
4. Yasoka
5. Douglas
6. Mederios



فردی و خانوادگی و حتی سرقت است و موارد قابل توجهی از این درگیری‌ها توأم با کاربرد اسلحه است. از این رو، تحقیق حاضر در پی مطالعه نزاع و درگیری در بین جوانان و نوجوانان این شهر است. در بسیاری از منابع و تحقیقات انجام شده، خانواده از عوامل تعیین کننده‌ای معرفی شده است که در تعیین میزان نزاع و درگیری نقشی بسزا دارد. پس سؤال اصلی تحقیق متوجه نقش برخی از عوامل اجتماعی با تأکید بر خانواده در نزاع و درگیری بین جوانان است. می‌خواهیم بدانیم ابعاد مؤثر بر روحیه پرخاشگری و نزاع همچون بدرفتاری، نظارت و سخت‌گیری والدین اعم از پدر و مادر، رابطه با همسالان بزهکار و رابطه نظارت اجتماعی رسمی و غیررسمی و آنومی اجتماعی با نزاع و درگیری در بین جوانان شهر سرپل ذهاب چگونه است؟

پیشینه تجربی تحقیق: میرساردو و مرتضی (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در وقوع نزاع دسته‌جمعی در شاهرود» انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که متغیرهای نظارت اجتماعی رسمی، تعریف مثبت نزاع در سطح یک درصد و فیزیک افراد در سطح ۵ درصد معنی‌دار بود. از طرفی، متغیر نظارت اجتماعی والدین همبستگی منفی و معنی‌داری با نزاع دسته‌جمعی نشان داد. ربانی، عباس زاده و نظری (۱۳۸۸) تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان ایلام)» انجام دادند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای نظارت اجتماعی و قوم‌گرایی بر گرایش به نزاع جمعی تأثیر معنی‌داری داشته‌اند. واحدی، بهستانی و حسن‌زاده (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری فردی از دیدگاه شهروندان در سال ۱۳۹۲ (مطالعه موردی: شهر خوی)» نشان دادند که متغیرهای نظارت اجتماعی، احساس آنومی، خاستگاه خانوادگی و سن، گرایش قومی و قبیله‌ای، با نزاع و درگیری رابطه معنی‌داری داشته‌اند. مشکانی و سادات مشکانی (۱۳۸۱) نشان دادند که نزاع خانوادگی، وابستگی نوجوانان به خانواده، باورها و نگرش و ارتباط با همسالان بزهکار با بزهکاری رابطه قوی دارد. همچنین، وجود نزاع خانوادگی با بزهکاری رابطه دارد. جلیلی (۱۳۸۱) در تحقیق خود بین فرصت سیاسی، فرصت فرهنگی و فرصت اجتماعی با ارتکاب جرم رابطه منفی و معنی‌داری نشان داده است. سخاوت (۱۳۸۱) دریافته است وجود روابط مطلوب در محیط خانه و مدرسه، خود پنداره دانش‌آموز، پنداشت از درآمد خانواده، پنداشت از نظم مدرسه و موفقیت تحصیلی بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموز در مدرسه تأثیر معکوس داشته است. بیکاری پدر و پسر بودن با ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموز رابطه مستقیم داشته است. همچنین، رابطه مناسب با مادر و موفقیت تحصیلی با ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموز در بیرون از مدرسه رابطه معکوس داشته است. رئیسی (۱۳۸۲) هم در تحقیق خود دریافته است که میزان علاقه خانوادگی و نظارت خانوادگی با ناهنجاری‌های رفتاری جوانان همبستگی معکوس و معناداری داشته است و همسالان بزهکار، میزان درآمد پدران و مدت گذران اوقات فراغت خارج از خانه با ناهنجاری رفتاری جوانان رابطه مستقیم و معنی‌داری داشته است.

جرالد پترسون در آزمون نظریه یادگیری - سرشتی در دو تحقیق خود با تکیه بر مشاهدات گسترده خود

درباره خانواده‌هایی که کودکان پرخاشگر داشته‌اند، چهار الگوی کنش متقابل را در محیط خانواده تشخیص داده است که می‌توانند با کجروی و بزهکاری همراه باشند: ۱- وجود شیوه‌های تربیتی و انضباطی ناکارآمد از قبیل افراط والدین در سرزنش کردن کودک یا آسان‌گیری توأم با بی‌تفاوتی؛ ۲- احساس دوست نداشته شدن کودک از طرف والدین و بی‌توجهی والدین به کودک؛ ۳- عدم مراقبت و کنترل مؤثر والدین از رفتارهای کودک و ۴- ناتوانی در بکارگیری تدابیر کافی و مؤثر حل مشکلات که نتیجه ایجاد فشارهای روحی و روانی روزافزون در فرد است (سیگل، ۲۰۰۱، ص ۵۳۲). سامپسون و گرووز (۱۹۸۹) تئوری بی‌سازمانی اجتماعی شاو و مک‌کی را مورد آزمون قرار دادند. آن‌ها متوجه شدند گسیختگی خانواده و گروه همسالان بزهکار با ضرب و شتم افراد، رابطه مستقیم داشته است (سامپسون^۱ و گرووز^۲، ۱۹۸۹). فیگلن و همکارانش دریافتند که قربانی خشونت، مشاهده خشونت، سن افراد، ریسک‌پذیری، نفوذ همسالان و عضویت داشتن در باندهای بزهکار با ارتکاب خشونت جوانان، رابطه مستقیم و معنی‌دار داشته است و فقدان بدرفتاری و سخت‌گیری خانواده و نظارت والدین، عزت‌نفس، عملکرد تحصیلی، احساس امنیت در مدرسه، با خشونت جوانان رابطه معکوس داشته است که در این میان، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده، فقدان بدرفتاری و سخت‌گیری خانواده بوده است (فیگلن، هووارد، ژیاثومینگ و کراس^۳، ۲۰۰۰). آکچوماک و دیگران نیز متوجه شدند آموزش خانواده و نظارت اجتماعی و حمایت اجتماعی جرم را در بین جوانان کاهش می‌دهد (آکچوماک^۴ و ویل^۵، ۲۰۰۸، ص ۲۴).

بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد ابعاد مختلف روابط خانوادگی همچون سخت‌گیری، نظارت اندک، ارتباط نامناسب با والدین، خاستگاه خانوادگی با نزاع و درگیری رابطه دارد. علاوه بر خانواده، ارتباط با همسالان بزهکار نیز از عوامل تعیین‌کننده نزاع و درگیری در بین جوانان است. مرور مطالعات نشان می‌دهد با وجود اهمیت خاص شهر سرپل ذهاب از نظر سیاسی و امنیتی، تاکنون نزاع و درگیری در این شهر مطالعه نشده است. موضوعی که تحقیق حاضر سعی دارد با انجام آن خلأ علمی در این زمینه را پر کند.

مبانی نظری تحقیق

در ادامه، موضوع نزاع و درگیری با توجه به اهمیت نقش خانواده از طرق نظریه‌های یادگیری، نظارت، گروه همسالان بزهکار و زمینه فرهنگی در آثار استروس، گیدنز و دورکیم مرور می‌شود.

یادگیری نزاع در خانواده: شاپور راسخ، کارکردهای عمومی خانواده را شامل کانون الفت بین اعضاء و انتقال

1. Sampson
2. Groves
3. Feigelman, Howard, Xiaoming & Cross
4. Akchomak
5. Weel



مواریث فرهنگی به نسل جدید و پرورش کودکان می‌داند (بهنام و راسخ، ۱۳۴۸، ص ۱۷۵). اما شرایط گذار، روابط اجتماعی اعضای خانوار را دست‌خوش دگرگونی کرده است و رابطه والدین و فرزندان از حالت «حاکمیت و تبعیت» خارج شده است که موجبات اختلاف و نزاع بین اعضای خانواده و عصیان جوانان را فراهم کرده است (بهنام و راسخ، ۱۳۴۸، ص ۱۸۰). گیدنز نیز خانواده را از نظر جامعه‌شناسان، مهم‌ترین بستر رشد و نمو شخصیت جوان می‌داند؛ به خصوص با هسته‌ای شدن و محرومیت از حمایت خویشاوندی نقش و اهمیت خانواده در حمایت از اعضای آن دوچندان شده است (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۹، ص ۲۵۴). او با نگاهی تیزبینانه، خانواده را خطرناک‌ترین مکان جامعه مدرن نیز می‌داند. از نظر آماری، احتمال اینکه فرد در خانه مورد خشونت قرار گیرد بیش از خطر خشونت در خیابان است؛ زیرا خانواده ترکیبی از تراکم عاطفی و نزدیکی و صمیمیت آکنده از عواطف قوی است، یعنی همان قدر که می‌تواند گرم و ارضا کننده باشد، به همان اندازه هم می‌تواند در بردارنده شدیدترین تنش‌ها و تعارض‌ها باشد (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۹، ص ۲۸۱). در انگلستان کمتر کودکی را می‌توان یافت که هرگز توسط والدینش تنبیه بدنی نشده باشد (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۹، ص ۲۸۳). دورکیم نیز خانواده را همراه با احتمال زیاد رفتار خشونت‌آمیز می‌داند؛ به خصوص زمانی که نظم آن با نشان دادن ملایمت به هم می‌خورد. اگر واکنش نشان ندهد خود را تضعیف خواهد کرد (دورکیم، ۱۳۸۱، ص ۹۳).

استروس اندیشه خود را در مورد نقش خانواده در نزاع و درگیری با باندورا آغاز می‌کند که براساس «نظریه یادگیری اجتماعی»، والدین را مدل رفتاری فرزندان می‌نامد (استروس و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۱۷۱). فرزندان از والدین خود می‌آموزند که برای وادار کردن دیگران به اطاعت و اصلاح رفتار، استفاده از خشونت بدنی و فیزیکی پذیرفته است (استروس و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۲۳۲). برای بسیاری از والدین، انضباط به معنای تنبیه است (استروس، ب، ۲۰۰۸، ص ۲۰۷) و از این موضوع غافل هستند که تنبیه بدنی یکی از عوامل افزایش خشونت فردی در بزرگسالی است (استروس و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۲۹۴). خشونت در خانواده فقط از سوی پدر نیست؛ رابطه مادر با فرزندان و اعضای خانواده نیز گاه توأم با خشونت است (استروس، ب، ۲۰۰۸، ص ۲۰۸). عوامل مؤثر در تبیین رابطه خشونت در خانواده و نزاع در بزرگسالی عبارت‌اند از: ۱- خودکنترلی پایین؛ ۲- کاهش روابط عاطفی بین فرزندان؛ ۳- ضریب هوشی پایین؛ ۴- احتمال تحصیلات پایین‌تر و ۵- مهارت کم مدیریت نقش مانند توضیح و گفتگو، عزت‌نفس پایین، وجدان جمعی رشد نیافته، باخودبیگانگی، کاهش توان ذهنی و افسردگی و در نهایت، پرخاشگری حاصل برخورد پرخاشگرانه با فرزند است (استروس، ب، ۲۰۱۴، ص ۳۱۰).

همسالان، خانواده و نزاع: رفتار خشونت‌آمیز و نامناسب پیوند بین والدین و فرزند را تضعیف می‌کند. کاهش پیوندهای عاطفی با والدین بر پیشرفت تحصیلی اثر سوء دارد. پیشرفت تحصیلی ناموفق موجب دلسردی از تحصیل می‌شود و انگیزه پیوستن به گروه همسال بزهکار را افزایش می‌دهد (استروس، ۲۰۱۴، ص ۱۱۹). پیوستن به گروه همسال احتمال بروز رفتار پرخطر را افزایش می‌دهد (استروس و همکاران، ۲۰۱۴، ص

۱۲۶). اهمیت نقش همسالان تا حدی است که آگنیو رابطه همسالان و نزاع و درگیری را بیشتر از نقش والدین می‌داند (استروس و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۱۱۲).

نظارت خانواده و نزاع: خانواده‌ای که با کودک بد رفتاری می‌کنند، از نظر ابعاد دیگر نیز گسسته به نظر می‌رسد. عموماً این والدین افسرده، دارای درآمد پایین و رابطه نامناسب زناشویی هستند؛ بنابراین قادر نیستند نظارت کافی و مناسبی بر فرزندان خود اعمال کنند (استروس و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۳۰۵). گیدنز نیز براساس نظریه نظارت اجتماعی معتقد است اگر بین محرک‌ها و عوامل نظارت تعادل باشد، نزاع رخ نمی‌دهد. پیش فرض نظریه نظارت آن است که افراد هرگاه فرصتی به دست آورند و نظارتی هم نباشد انحراف به وقوع می‌پیوندد (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۹، ص ۳۱۱). ایده محوری نظریه نظارت اجتماعی خانواده، رابطه قوی عاطفی در خانواده است. هنگامی که پیوند بین والدین و فرزندان قوی است، احتمال بیشتری دارد که فرزند قواعد و هنجارهای والدین را بپذیرد (استروس و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۱۱۲). هر چقدر رابطه با والدین قوی‌تر باشد، فرزند معیارهای رفتاری بیشتری را از آن‌ها می‌آموزد؛ به خصوص هنگامی که خشم بر او غلبه می‌کند و احتمال دارد در رفتاری بزهکارانه درگیر شود (استروس و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۱۲۶). الیوت علاوه بر نظارت خانواده، به نظارت غیررسمی همسایگان اشاره می‌کند. وی معتقد است برای کاهش خشونت و نزاع، باید روابط و سازمان همسایگی تقویت شود؛ چون توأم با نظارت است (الیوت، ۱۹۹۴، ص ۸). دالبرگ و دیگران نیز روابط اجتماعی و میزان ارتباطات اجتماعی را در بروز نزاع مؤثر می‌دانند (دالبرگ^۱، توآل^۲، سوان^۳ و بهرنز^۴، ۲۰۰۵، ص ۲۷۵).

زمینه فرهنگی، خانواده و نزاع: زمینه فرهنگی بر تأیید نقش نزاع در خانواده صحنه می‌گذارد. استروس به مطالعه لسنفورد و داج^۵ اشاره می‌کند که در سال ۲۰۰۸ از داده‌های مربوط به ۱۸۶ گروه فرهنگی مختلف نشان داد. بدرفتاری در خانواده با پرخاشگری فرزند و حالت ستیزه و درگیری و نزاع فردی در بزرگسالی رابطه دارد (استروس و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۳۰۰). چنین گستردگی در بین گروه‌های متنوع ناشی از زمینه فرهنگی است که تنبیه بدنی فرزند را برای تربیت او لازم می‌داند (استروس و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۳۲۷). در ایالات متحده هم اکنون مانند دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، استفاده از کمر بند یا وسایل شبیه به آن مجاز شمرده شده است. در ایالت تکزاس دوسوم مردم معتقدند که تنبیه بدنی لازم است (استروس و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۲۸). برخی از روان‌شناسان بالینی، وجود تنبیه بدنی را کامل رد نکرده‌اند و گاهی آن را لازم می‌دانند. سخت‌گیری در خانواده شایسته، نگران‌کننده نیست؛ اما اگر اثر سخت‌گیری همراه با عدم شایستگی خانواده باشد، مسئله حاد می‌شود (استروس

1. Dahlberg
2. Toal
3. Swahn
4. Behrens
5. Lansenford and Doge



و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۲۷۳). گیدنز و بردسال نیز نظر استروس را تأیید می‌کنند؛ مبنی بر اینکه خشونت و نزاع در خانواده عملاً با صبر و مدارا تحمل می‌شود، حتی پذیرفته و تأیید می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۹، ص ۲۸۳).

سازمان اجتماعی، خانواده و نزاع: منظور از سازمان اجتماعی از نظر استروس، طبقه اجتماعی، نژاد، قومیت، همسایگی و شبکه خویشاوندی است که می‌تواند نقش زمینه‌ای ایجاد کند. زمینه‌ای که خانواده در آن قرار دارد مانند درآمد کم که نشان می‌دهد خانواده در شرایط دشوار قرار دارد (استروس و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۵۵). تغییر سازمان اجتماعی هنجارهای خانواده را نیز تغییر می‌دهد، مانند دگرگونی در نظام اقتصادی پسا صنعتی که باعث کاهش فرصت‌های شغلی ساده شد. در آمریکا اشتغال کارگران در سال ۱۹۵۰م حدود ۳۰ درصد بود که در سال ۲۰۰۸ به ۱۵ درصد رسیده است. ساختار شغلی فی‌نفسه هم بر تربیت و انضباط در خانواده مؤثر است. خانواده‌ای که از فرزند خود انتظار دانشگاه رفتن دارد و اشتغال به حرفه غیریدی، نسبت به فرزند خود کمتر رفتار پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز اعمال می‌کند. هنگامی که خانواده فرزند خود را در مشاغلی تصور می‌کند که نیازمند قدرت شناخت، تفکر انتقادی و مهارت گفتگو و مذاکره است، این خانواده بیشتر از شیوه‌های تربیتی آموزشی و شناختی استفاده می‌کند. تشبیه بدنی و استفاده از قدرت در تربیت با کار یدی در جریان سخت یک خط تولید هماهنگ‌تر است (استروس و دیگران، ۲۰۱۴، ص ۲۵۱).

تغییر در سازمان اجتماعی اگر منجر به نابسامانی یا بی‌هنجاری شود، سازمان بین اجزا مختل می‌شود. نابسامانی یا آنومی هنگامی رخ می‌دهد که قواعدی که طی زمان خود به خود شکل گرفته‌اند کم‌رنگ می‌شود. این قواعد و اجزا، هنگام نیاز از نیاز یکدیگر آگاه می‌شوند و تبادل بین اجزای آن رخ خواهد داد که حاصل نظم و تداوم است. در حالت آنومی، قواعد کم رنگ یا مبهم هستند. پس آنومی مانع تبادل بین اجزای سازمان اجتماعی می‌شود و مناسبات کاهش می‌یابد و هر بار به‌گونه‌ای رخ می‌دهد. چون تکرار زیاد است پس شکل معینی نمی‌گیرد (دورکیم، ۱۳۸۱، صص ۳۲۶-۳۲۵). رابرت مرتن نیز آنومی یا نابسامانی اجتماعی را ناشی از تضاد هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت‌های اجتماعی می‌داند. هنگامی که در جامعه بر موقعیت مادی تأکید می‌شود، اما فرصت‌های در دسترس اندک است؛ آنگونه که برای طبقات محروم است یا اصلاً فرصتی نباشد، باعث ایجاد فشار زیاد بر فرد می‌شود. طبق جرم‌شناسی مرتن، تعارض بین خواسته‌ها و آرزوها و نابرابری عامل کجروی و جرم است (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۹، ص ۳۰۱). از نظر استروس، هنگامی که جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی است، خانواده مجبور می‌شود محدودیت‌های رفتاری و تربیتی بیشتری را در برابر فرزندان اعمال کند (استروس و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۲۱۶) که همچنان عامل نزاع در خانواده و پیرو آن، وقوع نزاع‌های بیشتر در مدرسه، محل کار و خیابان است. براساس نظریه‌های مطرح شده، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر است:

۱- بین سخت‌گیری مادر و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه وجود دارد.

۲- بین سخت‌گیری پدر و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه وجود دارد.



- ۳- بین ارتباط با همسالان بزهکار و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه وجود دارد.
- ۴- بین نظارت اجتماعی والدین بر رفتار فرزندان و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه وجود دارد.
- ۵- بین بدرفتاری والدین با فرزندان و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه وجود دارد.
- ۶- بین نظارت اجتماعی غیررسمی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه وجود دارد.
- ۷- بین نظارت اجتماعی رسمی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه وجود دارد.
- ۸- بین احساس آنومی اجتماعی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه وجود دارد.
- ۹- بین متغیرهای زمینه‌ای و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه وجود دارد.

روش

تحقیق حاضر از نظر نوع، کمی و از نظر روش، پیمایشی مقطعی است. برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه جوانان پسر ۱۵ الی ۲۵ سال شهر سرپل ذهاب که طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر ۱۱۵۰۰ نفر بوده است. حجم نمونه با روش نمونه‌گیری کوکران ۳۷۵ نفر برآورد شده است که به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند تا به وسیله آن‌ها، رابطه خانواده و نزاع و درگیری مطالعه شود.

خانواده منظور گروهی است که با پیوندهای خویشی مستقیم باهم متصل می‌شوند و اعضای بزرگسال آن مسئولیت نگهداری کودکان را بر عهده دارند (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۹، ص ۲۵۲). در اینجا منظور از خانواده، خانواده پدر مادری است. نزاع به عنوان یک آسیب اجتماعی عبارت است از کنش جمعی بین دو نفر یا بیشتر که به قصد ضرب و شتم و آسیب مالی، جانی و جسمی به یکدیگر است (افشانی، نوائی، دلبازی اصل، ۱۳۹۴، ص ۸۶). درگیری یا منازعه خیابانی، منظور مخاصمه و دشمنی کردن است که در عرف معادل مشارکت در زد خورد است (معین، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵۲).

سنجش نزاع و درگیری خیابانی به وسیله مقیاس تاکتیک‌های تضاد که در سال ۱۹۷۲ ساخته شده است انجام می‌شود (استروس و همکاران، ۱۹۹۶، صص ۳۸۴-۳۸۳). مقیاس با اندکی دست‌کاری برای تطابق آن با جامعه مورد مطالعه استفاده می‌شود. براساس مقیاس، سطوح درگیری از خفیف تا شدید شامل دشنام، فریاد، عصبانیت، تنه زدن، سیلی زدن، مشت زدن، لگدزدن، پرتاب شیء، کتک‌کاری، فشردن گلو، دست به یقه شدن، دعوی گروهی، تهدید با چاقو و زورگیری با ۱۵ سؤال سنجیده می‌شود. منظور از سخت‌گیری والدین در این تحقیق، اجبار فرزند به تبعیت بی‌چون و چرا از دستورات والدین است که با ۱۰ سؤال سنجیده شده است. بدرفتاری والدین منظور اعمال تنبیه شدید بدنی و سوء رفتار والدین یا دیگر سرپرستان با فرزند است (پور افکاری، ۱۳۷۶، ص ۱۳۸۱). بدرفتاری والدین از طریق بی‌توجهی، تحقیر، انتقاد بیش از حد، بی‌احترامی، ناسزا، سیلی زدن، کتک زدن و سرزنش در حضور دیگران است که با ۸ سؤال سنجیده می‌شود. همسالان بزهکار،



منظور افراد هم سن و سال فرد شامل هم‌کلاسی‌ها، هم‌محلّی‌ها و دیگر دوستان بزهکار فرد می‌شود که باهم روابط صمیمی و چهره به چهره دارند. بزهکاری، منظور رفتار قانون‌شکنانهٔ نوجوانان ۱۶ تا ۱۸ ساله از نوعی است که در حد جرائم سنگین و جدی نیست. اعمال خلاف این گروه، گستاخانه و تقریباً توأم با شوخی است (پورافکاری، ۱۳۷۶، ص ۳۷۸). بزهکاری همسالان با ۸ سؤال سنجیده شده است. نظارت والدین، منظور میزان توجه و آگاهی والدین از اعمال و رفتارهای فرزند است (جلیلی، ۱۳۸۲، ص ۵۹). این متغیر در پژوهش‌ها به وسیلهٔ پرسش از والدین یا ادراک فرزندان از نظارتی که والدین بر رفتار آن‌ها هنگام فراغت، مکان حضور آن‌ها و گروه دوستان یا همسالان نشان اعمال می‌کنند سنجیده می‌شود (احمدی و خدادادی سنجده، ۱۳۹۴). نظارت والدین بر رفتار فرزندان با استفاده از ابزار تحقیق زارعی و دیگران (۱۳۹۴) با ۴ گویه سنجیده می‌شود که شامل نظارت بر رفت‌وآمد، دوستان و نظارت بر اعمال بیرون از منزل فرزند است. نظارت اجتماعی وسایل و شیوه‌هایی است که با استفاده از آن‌ها یک گروه یا یک واحد اعضای خود را به پذیرش هنجارها، رفتارها، قواعد در سلوک و حتی آداب و رسوم منطبق با آنچه مطلوب گروه است سوق می‌دهد که دو صورت دارد: اجباری و رسمی و از طریق اقتناع که غیررسمی نامیده می‌شود و به وسیلهٔ تبلیغ، اعطای پاداش و اعتبار و مناصب و مقامات، تمجید انجام می‌شود (بیرو، ۱۳۷۶، ص ۳۴۸). نظارت غیررسمی در سطح محلی از طریق نظارت افراد محله بر نزاع و درگیری‌هایی که رخ می‌دهد در اینجا با ۴ گویه سنجیده می‌شود، اما نظارت رسمی دربارهٔ نوع عملکرد پلیس از نظر حضور در محل، اقدام به دستگیری، میزان موفقیت و حضور به‌موقع هنگام بروز نزاع و درگیری سنجیده می‌شود. آنومی از نظر دورکیم، فقدان قواعدی است که طی زمان موجب ارتباط بین اجزا است و موجب می‌شود تا اجزا هنگام نیاز از نیاز یکدیگر آگاه شوند. نظارت رسمی با ۵ گویه سنجیده شده است. مشکل اساسی هنگام آنومی عدم تبادل است (دورکیم، ۱۳۸۱، صص ۳۲۶-۳۲۵). آنومی تزلزل معیارها و هنجارهای سنتی است بی‌آنکه معیارها و هنجارهای تازه جای آن‌ها را بگیرد. شرایطی است که مردم احساس اضطراب و بی‌هدفی می‌کنند. رابرت مرتن آنومی را فشار و تنشی می‌داند که ناشی از تضاد هنجارهای پذیرفته‌شده با واقعیت‌های اجتماعی باشد (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۹، ص ۳۰۱). در این تحقیق با ۸ سؤال، درک و فهم نوجوان از آنومی اجتماعی سنجیده می‌شود؛ یعنی احساس آنومی اجتماعی مدنظر قرار گرفته است. احساس آنومی با معرف‌هایی که مبارکی معرفی کرده است (مبارکی، ۱۳۸۳) سنجیده می‌شود؛ معرف‌ها عبارت‌اند از: ابهام در مواردی همچون داوری در مورد مردم، تشخیص حلال و حرام، تشخیص درست و غلط، تشخیص قواعد و نظم و پیش‌بینی رفتار افراد است. متغیرهای زمینه‌ای در این تحقیق شامل جنس، سن، تحصیلات و اشتغال است. اشتغال در سه گروه شاغل، بیکار و دانش‌آموز یا دانشجو سنجیده می‌شود. روایی ابزار از طریق اندازه‌گیری نزاع و درگیری با پرسشنامهٔ استاندارد شده‌ای تأمین شد که تنها برخی از گویه‌های آن نیازمند تطابق با جامعهٔ مورد مطالعه بود. با این وجود، مجدداً ابزار به روایت چند محقق دارای تجربهٔ مطالعه بر موضوع موردنظر رسانده شد و پس از تأیید اجرا شد.



روایی ابزار نیز با بهره‌گیری از آلفای کرونباخ و معیار ضرایب بالای ۰/۷ تأمین شد.

یافته‌ها

میانگین سن پاسخگویان ۲۱/۴ و میانه سن ۲۰ سال بوده است. بیشتر پاسخگویان گفته‌اند که دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر هستند و این پایین بودن سطح سواد افراد را نشان می‌دهد. تنها ۱۶/۸ درصد پاسخگویان شاغل و ۸۳/۲ درصد یعنی بیشتر آن‌ها گفته‌اند که بیکار هستند و در حال حاضر هیچ شغل و درآمدی ندارند. از بین افراد بیکار، ۶۱ درصد را دانش‌آموزان و دانشجویان تشکیل می‌دهد. ۲۷ درصد، سخت‌گیری مادر را زیاد و خیلی زیاد و ۳۴/۵ درصد سخت‌گیری پدر را زیاد و خیلی زیاد تجربه کرده‌اند. ۲۱ درصد، رفتار دوستانشان زیاد و خیلی زیاد توأم با بزهکاری بوده است. نظارت والدین ۲۳/۶ درصد زیاد و خیلی زیاد بوده است، اما بدرفتاری والدین ۷/۷ درصد زیاد و خیلی زیاد بوده است. نظارت اجتماعی غیررسمی، ۳۸ درصد و نظارت اجتماعی رسمی، ۲۹/۶ درصد زیاد و خیلی زیاد بوده است. احساس انومی اجتماعی پاسخگویان، ۴۳/۳ درصد زیاد و خیلی زیاد بوده است. در مورد نزاع و درگیری، ۱۹/۲ درصد ۶ الی بیش از ۱۰ بار در سال گذشته درگیر نزاع شده‌اند. آزمون نرمالیتی، داده‌ها را نرمال نشان می‌دهد، بنابراین از آزمون‌های نرمال برای بررسی فرضیه‌ها استفاده می‌شود.

آزمون فرضیه‌ها: در این بخش، فرضیه‌های تحقیق به ترتیب شماره مورد آزمون قرار می‌گیرد. فرضیه اول مبنی بر رابطه نزاع و درگیری خیابانی با سخت‌گیری مادر به شرح جدول ۱ بررسی می‌شود.

جدول ۱. ضریب همبستگی بین سخت‌گیری مادر و نزاع و درگیری خیابانی جوانان

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد افراد	سطح معنی‌داری
۰/۱۴۲**	۳۷۵	۰/۰۰۶

با توجه جدول ۱، ضریب همبستگی دو متغیر سخت‌گیری مادر و نزاع و درگیری خیابانی جوانان برابر ۰/۱۴۲ و سطح معنی‌داری آن نیز برابر ۰/۰۰۶ است که در سطح یک درصد خطا معنی‌دار است؛ یعنی بین دو متغیر سخت‌گیری مادر و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد و فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه دوم رابطه بین سخت‌گیری پدر و نزاع و درگیری خیابانی جوانان را مورد سؤال قرار داده است که به شرح ۲ بررسی می‌شود.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین سخت‌گیری پدر و نزاع و درگیری خیابانی جوانان

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد افراد	سطح معنی‌داری
۰/۱۲۰**	۳۷۵	۰/۰۲۰



با توجه به جدول ۲، همبستگی دو متغیر سخت‌گیری پدر و نزاع و درگیری خیابانی جوانان برابر $0/120$ و سطح معنی‌داری آن نیز برابر $0/020$ است؛ یعنی می‌توان گفت که بین دو متغیر سخت‌گیری پدر و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. پس فرضیه تأیید می‌شود. فرضیه سوم، رابطه با همسالان بزهکار و نزاع و درگیری خیابانی را مورد سؤال قرار داده است که به شرح جدول ۳ بررسی می‌شود.

جدول ۳. ضریب همبستگی بین رابطه با همسالان بزهکار و نزاع و درگیری خیابانی جوانان

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد افراد	سطح معنی‌داری
$0/562^{***}$	۳۷۵	$0/000$

مشاهده جدول ۳ نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین رابطه با همسالان بزهکار و نزاع و درگیری خیابانی جوانان برابر $0/562$ و سطح خطای آن نیز $0/001$ است؛ بنابراین می‌توان گفت که بین دو متغیر رفت و آمد و دوستان ناباب و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. پس فرضیه تأیید می‌شود. فرضیه چهارم، نظارت والدین با فرزندان و نزاع و درگیری خیابانی را مورد سؤال قرار داده است که به شرح جدول ۴ بررسی می‌شود.

جدول ۴. ضریب همبستگی بین نظارت والدین بر رفتار فرزندان و نزاع و درگیری خیابانی جوانان

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد افراد	سطح معنی‌داری
$-0/243^{***}$	۳۷۵	$0/000$

با توجه به جدول ۴، ضریب همبستگی بین نظارت والدین بر رفتار فرزندان و نزاع و درگیری خیابانی جوانان برابر $-0/243$ و سطح خطای آن نیز $0/001$ است؛ بنابراین می‌توان گفت که بین دو متغیر نظارت والدین بر رفتار فرزندان و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. پس فرضیه تأیید می‌شود. فرضیه پنجم، رابطه بین بدرفتاری والدین با فرزندان و نزاع و درگیری خیابانی را مورد سؤال قرار داده است که به شرح جدول ۵ بررسی می‌شود.

جدول ۵. ضریب همبستگی بین بدرفتاری والدین با فرزندان و نزاع و درگیری خیابانی جوانان

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد افراد	سطح معنی‌داری
$0/390^{***}$	۳۷۵	$0/000$

با توجه به جدول ۵ ضریب همبستگی بین بدرفتاری والدین با فرزندان و نزاع و درگیری خیابانی جوانان برابر $0/390$ و سطح خطای آن نیز $0/001$ است؛ بنابراین می‌توان گفت که بین دو متغیر بدرفتاری والدین با

فرزندان و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. فرضیه ششم، رابطه بین نظارت اجتماعی غیررسمی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان را مورد سؤال قرار داده است که به شرح جدول ۶ بررسی می‌شود

جدول ۶. ضریب همبستگی بین نظارت اجتماعی غیررسمی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد افراد	سطح معنی‌داری
-.۰/۲۱۵***	۳۷۵	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۶، ضریب همبستگی پیرسون بین نظارت اجتماعی غیررسمی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان برابر ۰/۲۱۵- و سطح معنی‌داری آن نیز برابر ۰/۰۰۰- است؛ بنابراین می‌توان گفت که بین نظارت اجتماعی غیررسمی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. فرضیه هفتم، رابطه بین نظارت رسمی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان را مورد سؤال قرار داده است که به شرح جدول ۷ بررسی می‌شود.

جدول ۷. ضریب همبستگی بین نظارت رسمی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد افراد	سطح معنی‌داری
-.۰/۲۵۸***	۳۷۵	۰/۰۰۲

در جدول ۷، ضریب همبستگی بین متغیر نظارت رسمی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان برابر ۰/۲۵۸- و سطح معنی‌داری آن نیز برابر ۰/۰۰۰- است که معکوس و معنی‌دار است؛ بنابراین می‌توان گفت که هر چه نظارت رسمی در جامعه بیشتر بوده است، نزاع و درگیری جوانان نیز کاهش یافته است. پس فرضیه تأیید می‌شود. فرضیه هشتم، رابطه بین احساس انومی اجتماعی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان را مورد سؤال قرار داده است که به شرح جدول ۸، بررسی می‌شود.

جدول ۸. ضریب همبستگی بین احساس انومی اجتماعی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد افراد	سطح معنی‌داری
۰/۲۱۳***	۳۷۵	۰/۰۰۲

در جدول ۸، ضریب همبستگی بین احساس انومی اجتماعی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان برابر ۰/۲۱۳+ بوده است و سطح معنی‌داری آن نیز برابر ۰/۰۰۲- به دست آمده است؛ بنابراین می‌توان گفت که بین احساس انومی اجتماعی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. فرضیه آخر، رابطه متغیرهای زمینه‌ای همچون سن و اشتغال را مدنظر قرار داده است که به ترتیب بررسی



می‌شود. رابطه بین سن و نزاع و درگیری خیابانی جوانان به شرح جدول ۹ بررسی می‌شود.

جدول ۹. ضریب همبستگی بین سن و نزاع و درگیری خیابانی جوانان

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد افراد	سطح معنی‌داری
-.۰/۲۵۵**	۳۷۵	.۰/۰۰۰

جدول ۹ نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین سن و نزاع و درگیری خیابانی جوانان برابر ۰/۲۵۵ بوده است و سطح معنی‌داری آن نیز برابر ۰/۰۰۰ است که معنی‌دار است؛ بنابراین می‌توان گفت که بین سن و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. دومین متغیر زمینه‌ای مورد بررسی تحصیلات است که به شرح جدول ۱۰، رابطه آن با نزاع و درگیری خیابانی جوانان بررسی می‌شود.

جدول ۱۰. ضریب همبستگی بین تحصیلات و نزاع و درگیری خیابانی جوانان

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد افراد	سطح معنی‌داری
-.۰/۳۴۸**	۳۷۵	.۰/۰۰۰

همچنان که در جدول ۱۰ آمده است، ضریب همبستگی بین تحصیلات جوانان و نزاع و درگیری خیابانی آن‌ها برابر ۰/۳۴۸- بوده است و سطح معنی‌داری آن نیز برابر ۰/۰۰۰ بوده است که معنی‌دار است؛ بنابراین می‌توان گفت که بین سطح تحصیلات و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که هرچه تحصیلات جوانان بالاتر بوده است، میزان درگیری و نزاع خیابانی آن‌ها کاهش یافته است. برعکس افرادی که از سطح تحصیلات کمتری برخوردار بودند، نزاع و درگیری بیشتری داشته‌اند.

سومین متغیر زمینه‌ای اشتغال است. تفاوت میانگین نزاع و درگیری در بین طبقات شغلی به شرح جدول ۱۱ بررسی می‌شود.

جدول ۱۱. آزمون تفاوت میانگین نزاع و درگیری خیابانی جوانان بر حسب وضعیت اشتغال

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آزمون T	سطح معنی‌داری
بیکار	۳۱۲	۳۴/۲	۸/۲۳	۴/۲۱	.۰/۰۰۰
شاغل	۶۳	۲۱/۳	۷/۷۶		

در جدول ۱۱ تفاوت میانگین نزاع و درگیری خیابانی جوانان شاغل و بیکار با آزمون T گروه‌های مستقل^۱

1. independent -samples t test

بررسی شده است. همان‌گونه که در جدول آمده است، میانگین نزاع و درگیری خیابانی جوانان شاغل و بیکار به ترتیب برابر $21/3$ و $34/2$ بوده است که میزان نزاع و درگیری افراد بیکار را از افراد شاغل بیشتر نشان می‌دهد. مقدار آزمون تی برابر $4/21$ و سطح معنی‌داری آن نیز برابر $0/000$ است؛ بنابراین می‌توان گفت که میانگین نزاع و درگیری خیابانی جوانان شاغل و بیکار تفاوت معنی‌داری وجود دارد. میزان نزاع و درگیری جوانان بیکار از جوانان شاغل به صورت معنی‌داری بیشتر بوده است.

رگرسیون چند متغیره: جدول زیر مدل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل را بر نزاع و درگیری جوانان نشان می‌دهد. همان‌طور که در پایین نیز آمده است، متغیرهای آنومی اجتماعی، سخت‌گیری مادر، نظارت والدین، بدرفتاری والدین، نظارت اجتماعی و همسالان بزهکار با نزاع درگیری جوانان رابطه معنی‌دار داشته‌اند.

جدول ۱۲. میزان تبیین نزاع و درگیری جوانان توسط متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل	ضریب چندگانه (R)	ضریب تعیین چندگانه (R ^۲)	(R ^۲) تعدیل شده	سطح معنی‌داری
آنومی اجتماعی، سخت‌گیری مادر، نظارت والدین، بدرفتاری والدین، کنترل اجتماعی و دوستان ناباب	۰/۶۵۰	۰/۴۲۳	۰/۴۰۸	۰/۰۰۰

ضریب همبستگی چندگانه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته یعنی نزاع و درگیری جوانان برابر $0/650$ که قوی و معنی‌دار است. این متغیرها با همدیگر 41 درصد از تغییرات نزاع و درگیری جوانان را تبیین کرده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت که تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته معنی‌دار بوده است و متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیون می‌توانند تغییرات نزاع و درگیری جوانان سرپل ذهاب را پیش‌بینی کنند. در جدول ۱۳ ضرایب رگرسیونی ارائه می‌شود.

با بررسی ضرایب رگرسیونی می‌توان گفت که با کنترل سایر متغیرهای تحقیق، به ازای هر واحد انحراف معیار تغییر در آنومی اجتماعی، 12 درصد واحد انحراف معیار در نزاع و درگیری جوانان تغییر به وجود می‌آید؛ به ازای هر واحد انحراف استاندارد تغییر در سخت‌گیری مادر، مقدار 10 درصد انحراف معیار به نزاع و درگیری جوانان افزوده می‌شود؛ با کنترل سایر متغیرها به ازای هر واحد انحراف استاندارد تغییر در نظارت والدین، مقدار 15 درصد انحراف معیار از نزاع و درگیری جوانان کاهش می‌یابد؛ با کنترل سایر متغیرها به ازای هر واحد انحراف استاندارد تغییر در بدرفتاری والدین، مقدار 27 درصد انحراف معیار به نزاع و درگیری جوانان افزوده می‌شود؛ با کنترل سایر متغیرهای تحقیق، به ازای هر واحد انحراف معیار تغییر در کنترل اجتماعی، 11 درصد واحد انحراف معیار از نزاع و درگیری جوانان کاهش می‌یابد. می‌توان گفت که با کنترل سایر متغیرهای تحقیق، به ازای هر واحد انحراف معیار تغییر در رفت‌وآمد با دوستان ناباب، 45 درصد واحد انحراف معیار در نزاع و درگیری جوانان تغییر به وجود می‌آید.



در جدول ۱۳، اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل تحقیق بر متغیر وابسته یعنی نزاع و درگیری جوانان آمده است.

جدول ۱۳. مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر نزاع و درگیری جوانان

اثرات کلی	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	متغیر مستقل
۰/۰۳۵	-	۰/۰۳۵	نظارت رسمی
۰/۰۹۱	۰/۰۲	۰/۰۸۹	سخت‌گیری والدین
۰/۴۵۴	-	۰/۴۵۴	همسالان بزهکار
۰/۱۶۳	۰/۰۸	۰/۱۵۵	نظارت والدین
۰/۲۶۶	-	۰/۲۶۶	بدرفتاری والدین
۰/۰۹۹	-	۰/۰۹۹	نظارت اجتماعی
۰/۱۲۱	۰/۰۱	۰/۱۲۰	آنومی اجتماعی

همان‌گونه که در جدول ۱۳ مشاهده می‌شود اثر مستقیم همسالان بزهکار و بدرفتاری و نظارت والدین بیش از متغیرهای دیگر است؛ یافته‌ای که مؤید نقش تعیین‌کننده خانواده بر متغیر وابسته است.

نتیجه‌گیری

شهر سرپل ذهاب از شهرهای مرزی غربی ایران و یکی از محل‌های قاچاق کالا و اسلحه است. نمود آن نزاع و درگیری‌هایی مسلحانه‌ای است که هرازگاهی طی اخبار به گوش می‌رسد. از این رو، تحقیق حاضر یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل تعیین‌کننده نزاع و درگیری یعنی نقش خانواده را بر نزاع و درگیری جوانان پسر شهر سرپل ذهاب موضوع تحقیق قرار داده است. برای تدوین چهارچوب نظری از آرای استروس، دورکیم و گیدنز درباره اهمیت نقش خانواده در پرخاشگری و نزاع استفاده شده است. نظریه‌ها بر عوامل اجتماعی همچون سخت‌گیری خانواده، نظارت خانواده، بدرفتاری خانواده، نظارت رسمی و غیررسمی، آنومی اجتماعی و همسالان بزهکار به عنوان عوامل مؤثر اشاره دارد. از نظر جامعه‌شناسان، آنومی اجتماعی و نظارت اجتماعی بر رابطه نزاع و خانواده مؤثر است و می‌تواند آن را شدت بخشد یا تخفیف دهد. همسالان بزهکار نیز هنگامی اثر سوء دارند که روابط عاطفی در خانواده دچار ضعف و نقصان می‌شود.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تنها ۱۷/۶ درصد جوانان گفته‌اند که در یکسال گذشته، هرگز نزاع و درگیری نداشته‌اند. ۳۴/۱ درصد ۱ الی ۲ بار نزاع و درگیری داشته‌اند. ۲۹/۲ درصد پاسخگویان نیز در یکسال گذشته ۳ الی ۵ بار نزاع و درگیری داشته‌اند. ۱۳/۶ درصد هم که ۶ الی ۱۰ بار در سال نزاع و درگیری خیابانی داشته‌اند و ۵ درصد جوانان در یکسال گذشته بیش از ۱۰ مورد نزاع و درگیری داشته‌اند. درصدها نشان می‌دهد

میزان نزاع و درگیری جوانان در شهر سرپل ذهاب قابل توجه است. آزمون فرضیه‌های تحقیق، رابطه مستقیم سخت‌گیری مادر، سخت‌گیری پدر، رفت و آمد با دوستان ناباب، بدرفتاری والدین با فرزندان، احساس انومی اجتماعی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان را تأیید کرد. رابطه نظارت والدین بر رفتار فرزندان، نظارت اجتماعی غیررسمی و نظارت رسمی، تحصیلات و نزاع و درگیری خیابانی جوانان، معنی‌دار و معکوس به دست آمد. همچنین، میزان نزاع و درگیری کم‌سوادها و بیکاران در مقایسه با تحصیلکرده‌ها و شاغلان بیشتر بوده است.

اشاره شد بین سخت‌گیری‌های والدین و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود داشته است. استروس معتقد است در صورت سخت‌گیری والدین، فرزندان از والدین خود می‌آموزند که برای وادار کردن دیگران به اطاعت و اصلاح رفتار، از خشونت بدنی و فیزیکی استفاده کنند (استروس، ۲۰۱۴). این نتیجه، یافته‌های تحقیقات مشکانی و سادات مشکانی (۱۳۸۱)، جلیلی (۱۳۸۱)، سخاوت (۱۳۸۱)، رئیسی (۱۳۸۲)، فیگلنم و همکارانش (۲۰۰۰) را تأیید می‌کند که نشان دادند سخت‌گیری و روابط خشک والدین با نزاع و خشونت جوانان رابطه داشته است. بین رفت‌وآمد با همسالان بزهکار و نزاع و درگیری خیابانی جوانان نیز رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود داشته است. عضویت جوانان در گروه‌های دوستانه، زمینه رفتارهای انحرافی و بزهکارانه آن‌ها را فراهم می‌کند. استروس نقش رابطه با همسالان بزهکار در نزاع و درگیری را حتی بیشتر از نقش والدین می‌داند (استروس، ۲۰۱۴، ص ۱۱۲). این نتیجه، یافته‌های تحقیقات مشکانی و سادات مشکانی (۱۳۸۱)، جلیلی (۱۳۸۱)، رئیسی (۱۳۸۲)، سامپسون و گرووز (۱۹۸۹)، سوزان فیگلنم و همکارانش (۲۰۰۰) را تأیید می‌کند.

بین بدرفتاری والدین با فرزندان و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه معنی‌داری وجود داشته است. استروس سبب را تعمیم نوع رفتار والدین به فضای خارج از خانواده نسبت می‌دهد؛ زیرا تجربه رفتار خشن در یک مرحله از زندگی به خصوص در دوران کودکی به مراحل دیگر زندگی رسوخ می‌یابد (استروس، ۲۰۱۴، ص ۷۴). این نتیجه با یافته‌های جعفر سخاوت (۱۳۸۱) که نشان داده است، داشتن روابط مطلوب در محیط خانه و مدرسه ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموز در مدرسه تأثیر معکوس داشته و به عنوان عوامل بازدارنده ناهنجاری رفتاری در نظر گرفته شده‌اند، مطابقت دارد. بین متغیرهای نظارت والدین بر رفتار فرزندان، نظارت اجتماعی غیررسمی و نظارت پلیس و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه معکوس و معنی‌داری وجود داشته است. گیدنز نیز براساس نظریه نظارت اجتماعی می‌گوید افراد هرگاه فرصتی به دست آورند و نظارتی هم نباشد انحراف به وقوع می‌پیوندد (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۹، ص ۳۱۱). استروس معتقد است محور نظریه نظارت اجتماعی خانواده، رابطه قوی عاطفی در خانواده است. هنگامی که پیوند بین والدین و فرزندان قوی است، احتمال بیشتری دارد که فرزند قواعد و هنجارهای والدین را بپذیرد. از نگاه این نظریه، پیوند فرد با سازمان اجتماعی و افرادی که معیارهای اخلاقی را ارائه می‌دهند مهم



است (استروس، ۲۰۱۴، ص ۱۱۲). نتیجه به دست آمده با یافته‌های تحقیقات میرساردو و مرتضی (۱۳۹۱) که نشان داد متغیرهای نظارت اجتماعی پلیس و نظارت اجتماعی والدین همبستگی منفی و معنی‌داری با نزاع دسته‌جمعی داشته است، ربانی، عباس زاده و نظری (۱۳۸۸) در شهرهای استان ایلام، واحدی، بهستانی و حسن زاده (۱۳۹۲) در شهر خوی، پژوهش سخاوت (۱۳۸۱) بر روی دانش‌آموزان استان لرستان، رئیسی (۱۳۸۲) بر روی جوانان شهرک رجایی‌شهر کرج، جرال پترسون، سامپسون و گرووز (۱۹۸۹) با استفاده از داده‌های پیمایش جرم بریتانیا، همخوانی دارد و از حمایت تجربی این پژوهش‌ها برخوردار است.

بین احساس آنومی اجتماعی و نزاع و درگیری خیابانی جوانان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود داشته است. از نظر استروس، هنگامی که جامعه دچار آنومی است، خانواده مجبور است محدودیت‌های بیشتری را در برابر فرزندان اعمال کند (استروس، ۲۰۱۴، ص ۲۱۶). بنابراین، استروس حتی هنگامی که آنومی اجتماعی و بی‌سازمانی با نزاع رابطه دارد، همچنان خانواده را عامل تأثیرگذار می‌داند. براساس یافته‌ها در ادامه به برخی محدودیت‌های تحقیق و پیشنهادهای اجرایی اشاره می‌شود.

محدودیت‌های تحقیق:

۱- نگرانی از ارائه اطلاعات و همین‌طور، بی‌میلی نسبت به پر کردن پرسشنامه یکی از جدی‌ترین موانع این تحقیق بود.

۲- محدود بودن دامنه سنی گروه مورد مطالعه، یافتن نمونه را دشوار کرده بود. به خصوص هنگام مراجعه به منازل، کار بسیار دشوار می‌نمود. گاه والدین از همکاری فرزند خود ممانعت می‌کردند.

پیشنهاد‌های اجرایی

۱- آموزش مهارت‌های ارتباطی به خصوص بین والدین و فرزندان از طریق رسانه‌ها و تولیدات هنری و دوره‌های آموزشی ضروری است. محتوای آموزشی شامل آموزش فرهنگ گفتگوی مسالمت‌آمیز برای حل اختلاف، آموزش مدیریت تضادهای خانوادگی و به ویژه تضاد والدین باهم، آموزش حد و حدود نظارت خانواده بر فرزند به دور از افراط و تفریط ضرورت دارد.

۲- نظارت خانواده بر گروه دوستان فرزند؛ به عبارت دیگر والدین باید بدانند فرزندشان با چه کسانی نشست‌وبرخاست دارد. به خصوص از طریق پرکردن اوقات فراغت فرزندان خود با تشویق به مطالعه، فعالیت هنری و ورزشی پیشنهاد می‌شود.

۳- نهادهای رسمی نظارتی از جمله نیروی انتظامی و نهاد قضایی کشور باید بخش نظارتی خود را تقویت کنند. نظام قضایی و انتظامی، باید نظارت رسمی خود را بر اجرای قانون گسترش دهد. جبر انضباطی و توسل به قهر، ضمن اینکه متناسب با خطایی است که افراد مرتکب شده‌اند، باید بلافاصله در پی جرم افراد صورت گیرد تا تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد.



منابع

منابع فارسی

- احمدی، علیرضا (دی و بهمن ۱۳۸۶). تأثیر مداخله در سطح جامعه پیشگیری از خودسوزی. فصلنامه اصول بهداشت روانی. ۹ (۳۵) و ۳۶، صص ۹۷-۱۱۰. بازیابی از: <http://jfmh.mums.ac.ir/article1780.html>
- احمدی، خدابخش و خدادادی سنگده، جواد (پاییز ۱۳۹۴). بررسی وضعیت نظارت والدین بر نوجوانان در خانواده‌های نظامی. مجله علوم مراقبتی نظامی. ۲ (۳)، صص ۱۲۷-۱۳۳. بازیابی از: http://mcs.ajajums.ac.ir/browse.php?mod=gethtml&mag_id=5&slc_lang=fa&sid=1
- افشانی، علیرضا؛ نوائی، سعید و دل‌بازی اصل، مجتبی (بهار و تابستان ۱۳۹۴). بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد. پژوهش راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. ۴ (۹)، صص ۷۹-۹۴. بازیابی از: http://ssoss.ui.ac.ir/article_17122_824ff666bf64c0d3fc3e2482b9e79cda.pdf
- بهنام، جمشید و شاپور راسخ (۱۳۴۸). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- بیرو، آلن (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی (باقر ساروخانی، مترجم). تهران: کیهان.
- پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۸۳). فرهنگ جامع روانشناسی و روان‌پزشکی. تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- جلیلی، محمدصادق (۱۳۸۱). عوامل مؤثر بر پیشگیری از ارتکاب جرم در بین جوانان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی). دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- حیدری‌فر، محمدرئوف و رضایی، ناصر (۱۳۹۳). نیازمندی‌های امنیتی و مطالبات استان کرمانشاه در جهت بهبود کنترل مرز. مجله سپهر. ۲۳ (۹۸)، صص ۴۲-۳۲. بازیابی از: www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/4025513938904.pdf
- رئیس، جمال (بهار ۱۳۸۲). جوانان و ناهنجاری‌های رفتاری، فصلنامه علوم اجتماعی علامه طباطبایی. ۱۰ (۲۱)، صص ۱۵۷-۱۳۵. بازیابی از: <http://www.ensani.ir/fa/5941/magazine.aspx>
- ربانی، رسول؛ عباس زاده، محمد و جواد نظری (پاییز ۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی؛ شهرستان‌های منتخب استان ایلام). فصلنامه انتظام اجتماعی. ۱ (۳)، صص ۱۲۶-۱۰۳. بازیابی از: <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?ID=127316>
- سخاوت، جعفر (تابستان ۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان. مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران. ۴ (۲)، صص ۷۶-۵۵. بازیابی از: <http://rasekhoon.net/forum/thread/557987/page67>
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱). تقسیم کار اجتماعی (باقر پرهام، مترجم). تهران: نشر مرکز.
- زارعی، امین؛ مهدوی، سید محمدصادق و اکبری، حسین (بهار و تابستان ۱۳۹۴). تأثیر خانواده و دوستان بر خشونت جوانان. دوفصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. ۱۲ (۱)، صص ۲۷۶-۲۵۱. بازیابی از: <https://social.um.ac.ir/index.php/societal/article/view/20580>
- غلامی، مصیب و علی بیگی، امیرحسین (پاییز ۱۳۹۳). شناسایی روش‌های بومی مدیریت خشک‌سالی. پژوهش‌های روستایی. ۳ (۳)، صص ۶۳۸-۶۱۱. بازیابی از: www.ensani.ir/storage/Files/20160105164418-10013-112.pdf
- گیدنز، آنتونی، کارن بردسال (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی (حسن چاووشیان، مترجم). تهران: نشر نی.
- مبارکی، محمد (۱۳۸۳). رابطه بین سرمایه اجتماعی و ارتکاب جرم (پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی). دانشگاه شهید بهشتی.
- مشکاتی، محمدرضا و سادات مشکاتی، زهرا (تابستان ۱۳۸۱). سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان. مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران. ۴ (۲)، صص ۲۵-۳. بازیابی از: <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?ID=8649>



- موسوی، میثم؛ حسام سیدین، آیدین؛ آرن خصال، جمال؛ صادقی فر، یحیی و صفری، یاسر و جویانی (بهار ۱۳۹۲). سطح‌بندی شهرستان‌های استان کرمانشاه در بهره‌مندی از شاخص‌های ساختاری با استفاده از الگوی اسکالوگرام. مجله مدیریت ارتقای سلامت. (۲)۲، صص ۱۵-۷. بازیابی از: http://jhpm.ir/browse.php?a_code=A-10-143-1&slc_lang=fa&sid=1
- میرساردو، طاهره و مرتضی، علی (زمستان ۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در وقوع نزاع دسته‌جمعی در شاهرود. فصلنامه دانش انتظامی سمنان. (۶)۲، صص ۳۰-۷. بازیابی از: <https://goo.gl/XibsJ6>
- واحدی، ناصر؛ بهستانی، رضا و حسن زاده، مرتضی (زمستان ۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری فردی از دیدگاه شهروندان در سال ۱۳۹۲ (مطالعه موردی؛ شهر خوی). فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان غربی. (۶)۲، صص ۷۴-۴۷. بازیابی از: <https://goo.gl/sVyTyh>

منابع انگلیسی

- Akcomak, Semih, Bas ter Weel (2008). Impact of social capital on crime: Evidence from the Netherlands, IZA, Institute for study of labour, Discussion paper No. 3603. Retrieved from: <http://nbn-resolving.de/urn:nbn:de:101:1-20080723145>
- Dahlberg, Linda L, Susan B. Toal, Monica H- Swahn and Christopher B- Behrens(2005). Measuring Violence- Related Attitudes, Behaviors and Influences Among Youths: second ed, Atlanta.GA: Centers for disease control and prevention. National center for injury prevention and control. Retrieved from: https://www.cdc.gov/violenceprevention/pdf/yv_compendium.pdf
- Elliot, Delbert S. (1994). Youth violence, an overview, Center for the study and prevention of violence, the children and violence conference. Retrieved from: <https://goo.gl/54RzR3>
- Feigelman, Susan, Howard, Donna E., Li, Xiaoming, and, Cross, Sheila, (2000). Psychology and environmental Correlates of Violence Perpetration among African-American Urban Youth, Journal of Adolescent Health, Vol.27, pp: 202-209.. Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/10960219>
- Jayatilleke, Achini, Achala Jayatilleke, Masamine Jimba, Junko Yasoka(2014). Informal social control and intimate partner violence, Journal of Injury Prevention, Vol.21, p 70. Retrieved from: <http://dx.doi.org/10.1136/injuryprev-2014-041421>
- Sampson, Robert J., and Groves, W. Byro) 1989(. Community Structure and Crime: Social-Disorganization Theory, American Journal of Sociology, Vol. 94, pp: 774-802. Retrieved from: <http://www.journals.uchicago.edu/doi/10.1086/229068>
- Straus, Maury A., Hamby Sherry L., Bony-McCoy, Sue, and Sugarman, David B. (1996).The revised Conflict Tactics Scales(CTS2) Development and Preliminary Psychometric Data, Journal of Family Issues.Vol.17, No.3, pp: 283-316. Retrieved from: <http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/019251396017003001>
- Straus, Murry(2008A). The special Issues on prevention of violence groups primordial violence in Journal international violence. Vol. 23, No. 9,pp: 1314-1320. Retrieved from: <http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0886260508322266>
- Straus, Murry(2008B). Bucking the tide in family violence research, Journal of Truma, Violence and Abuse, Vol. 9, No. 4, 191-213. Retrieved from: <http://journals.sagepub.com/doi/10.1177/1524838008323795>
- Straus, Murray, Emily Douglas, Rose Anne Mederios(2014). The primordial Violence, Spanking Children, Psychological Development, Violence and Crime, USA: Routledge.